


Innovations and Defects of the Dispute Resolution Councils Act (September 13,2023)

 **Omid Tavakolikia**

Judge and PhD Scholar in Private Law, Payam Noor University of Tehran Graduate School, Tehran, Iran (Corresponding author)
omidtavakolikia@gmail.com

 **Zahra Asghari**

PhD student in Criminology, Islamic Azad University, Damghan Branch, Damghan, Iran
asgharisepid60@gmail.com



Abstract

The resolution of disputes through non-governmental entity and through the people themselves, as well as the elders of each community, has a long-standing history. With the enactment of The Dispute Resolution Councils Law on September 13, 2023, the legislature has further aligned these councils with the principles of peace and reconciliation, reinforcing their primary objective. Operating under the supervision of the judiciary, The dispute resolution council aims to facilitate amicable settlements between individuals and private legal entities.

The Dispute Resolution Councils Law represents the latest legislative approach to institutionalizing peace and reconciliation. The most significant reform introduced by this law is the establishment of Peace Courts and the redefinition of the Dispute Resolution Council as a non-judicial entity.

Journal of Research and
Development in Private Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 2 | Fall 2024 and
Winter 2025
(Original Article)

www.jpl.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jpl.2024.2042094.1113](https://doi.org/10.22034/jpl.2024.2042094.1113)

Under this framework, the council will no longer conduct judicial proceedings but will solely mediate disputes to attain peaceful resolutions.

According to Article 36 and in reference to Article 41 of the dispute resolution councils law, until the formal establishment of peace courts, all lawsuits and complaints will continue to be processed under the existing legal framework, including the provisions of the Dispute Resolution Councils Law (November 6, 2015). Once the peace courts become operational, the previous law will be repealed.


In this article, we will first explore the key innovations introduced by the new law, followed by an analysis of its criticisms and potential shortcomings.

Keywords: peace and reconciliation, dispute resolution council, peace court, dispute resolution councils law (2023)




نوآوری‌ها و چالش‌های قانون شوراهای حل اختلاف (۱۴۰۲/۰۶/۲۲)

قاضی دادگستری و دانش‌پژوه دکتری حقوق خصوصی مرکز تحصیلات تکمیلی
دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
omidtavakolikia@gmail.com

امید توکلی کیا 

دانشجوی دکتری جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد دامغان،
دامغان، ایران
asgharisepid60@gmail.com

زهرا اصغری 



موسسه تحقیق و توسعه حقوق خصوصی
Research and Development Institute for Private Law

پژوهشگاه حقوق و قانون ایران
Faculty of Law, Payame Noor University

چکیده

حل و فصل اختلافات توسط نهادهای غیر حاکمیتی و توسط خود مردم و بزرگان هر قوم دارای قدمتی دیرینه است. قانون‌گذار با تصویب قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ شورای حل اختلاف را بیش از پیش به یک نهاد صلح و سازشی نزدیک کرده و در راستای همان هدف نخستین از شکل‌گیری این نهاد گام برداشته است. شورای حل اختلاف با هدف صلح و سازش و حل و فصل اختلافات میان اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی زیر نظر قوه قضاییه فعالیت می‌کند. قانون شوراهای حل اختلاف (مصوب ۱۴۰۲/۰۶/۲۲) آخرین اراده قانون‌گذار در زمینه صلح و سازش است.

مهم‌ترین تغییر این قانون نسبت به قوانین گذشته، ایجاد و تاسیس دادگاه صلح و این‌که شورای حل اختلاف دیگر مرجع قضایی محسوب نمی‌شود و رسیدگی قضایی انجام نمی‌دهد و صرفاً در امر صلح و سازش اقدام خواهد کرد.

دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی
پژوهشگاه حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۲ | پاییز و زمستان ۱۴۰۳
(مقاله پژوهشی)

www.jpl.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jpl.2024.2042094.1113](https://doi.org/10.22034/jpl.2024.2042094.1113)

در این نوشتار ابتدا به نوآوری‌ها و تغییرات قانون جدید و سپس به مهم‌ترین نقدها، ایرادات و چالش‌های آن خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: صلح و سازش، شورای حل اختلاف، دادگاه صلح، قانون شوراهای حل اختلاف ۱۴۰۲.

مقدمه

حل و فصل اختلافات توسط نهادهای غیررسمی و غیر حکومتی و توسط خود مردم و به واسطه ریش‌سفیدان و بزرگان هر قوم دارای قدمت و سابقه دیرینه‌ای است. قبل از قانون‌گذاری در ایران حل و فصل اختلافات توسط حاکمان شرعی و مجتهدین صورت می‌گرفت که تخصص آنان در امور فقهی بود. این افراد توسط حکومت انتخاب نشده بودند و مردم هم آزادانه جهت رسیدگی به اختلافات خود به آنان مراجعه می‌کردند. رسیدگی این مراجع بر اساس مقررات اسلامی صورت می‌گرفته است. یکی از متداول‌ترین شیوه‌های حل و فصل دعاوی و اختلافات میان مردم «حکمیت و داوری» می‌باشد.

اولین قانون داوری «**قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی**» بوده که در تاریخ ۱۲۹۰/۰۸/۱۸ به تصویب رسیده و یکی از فصول (باب هفتم: در اصلاح و حکمیت «مواد ۷۵۰ تا ۷۷۹») آن به تنظیم قواعد مربوط به حکمیت پرداخته است. چون این مقررات اختیاری بود لذا به منظور رفع تراکم امور دادگاه‌ها و حل و فصل سریع دعاوی، قانون حکمیت اجباری به تصویب رسید.

پیشینه اندیشه حل و فصل دعاوی از طریق نهادهای سازشی و داوری در قوانین مصوب را می‌توان اولین بار در «**قانون حکمیت**» مصوب ۱۳۰۶/۱۲/۲۹ دید که در سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۱۳ مقررات آن اصلاح گردید. به موجب یکی از فصول قانون مزبور در صورت بروز اختلاف بین اشخاص آنان می‌توانستند به موجب «قرارنامه» که ضمن عقد لازم تنظیم می‌گردید حکمیت در آن منازعه را به یک یا چند نفر به عهده طاق واگذار کنند.

سپس در «**قانون آیین دادرسی مدنی**» مصوب ۱۳۱۸ نیز مقررات نسبتاً جامعی در خصوص داوری به تصویب رسید. این روند ادامه داشت تا این که «**قانون تشکیل خانه انصاف**» در تاریخ ۱۳۴۴/۰۲/۱۸ به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید. به موجب ماده ۱ این قانون به منظور رسیدگی و حل و فصل اختلافات میان «ساکنان روستاها» شورایی به نام «خانه انصاف» برای ۱ یا چند ده تشکیل می‌گردید و مرکب بود از معتمدین محل که از طرف ساکنان حوزه خانه انصاف برای مدت ۳ سال انتخاب می‌شدند. برخی از مواد این قانون به موجب قانون اصلاح بعضی از مواد قانون تشکیل خانه انصاف مصوب

۱۳۴۷ اصلاح گردید و در تاریخ ۱۳۵۶/۰۳/۲۵ «**قانون خانه انصاف**» تصویب و به موجب آن قانون تشکیل خانه انصاف مصوب ۱۳۴۴ و همچنین قانون اصلاح بعضی از مواد قانون تشکیل خانه انصاف مصوب ۱۳۴۷ نسخ صریح گردید.

با توجه به موفقیت خانه‌های انصاف در آن زمان این انگیزه به وجود آمد که در «شهرها» نیز نهادی مشابه خانه انصاف تشکیل و ایجاد شود. در ادامه «**قانون تشکیل شورای داور**» در سال ۱۳۴۵/۰۴/۰۹ به تصویب رسید و در تاریخ ۱۳۴۸/۰۱/۲۰ «قانون اصلاح بعضی از مواد قانون تشکیل شورای داور» تصویب شد. به موجب این قانون وزارت دادگستری می‌توانست با توجه به حجم کارهای شورای داور قبل از پایان دوره برای تغییر مدت نسبت به تشکیل «شورای داور» دیگری اقدام نماید. این شورا هم در امور مدنی و هم در امور کیفری صلاحیت رسیدگی داشت.

در تاریخ ۱۳۵۶/۳/۲۱ قانون جامع‌تری برای حل و فصل سازشی دعاوی به نام «**قانون شورای داور**» به تصویب رسید. این شورا در کلیه اختلافات سعی می‌نمود موضوع را با سازش خاتمه دهد و با تصویب این قانون، قانون تشکیل شورای داور مصوب ۱۳۴۵ و اصلاحی آن مصوب ۱۳۴۸ ملغی گردید. به موجب این قانون، شورای داور تا وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به حل و فصل دعاوی می‌پرداختند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی «داوری الزامی» تا قبل از تصویب قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی جایگاهی نداشت. مقررات «داوری اختیاری» مندرج در مواد ۶۳۲ تا ۶۸۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ به قوت خود باقی بود.

سپس در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (۱۳۷۳) نهاد «**قاضی تحکیم**» پیش‌بینی شد. (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۹۶۲) مطابق ماده ۶ قانون مذکور: «طرفین دعوی در صورت توافق می‌توانند برای احقاق حق و حل و فصل خصومت به قاضی تحکیم مراجعه نمایند.»

با تصویب «**قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی**» در سال ۱۳۷۹ باب هفتم آن (مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱) به «نهاد داور» اختصاص داده شده است که این مقررات، تکرار همان مقررات آیین دادرسی سابق بود.

با تصویب «ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۷۹/۰۱/۱۷) روند «حکیمیت اجباری» وارد مرحله جدیدی شد و تحولی شگرف در نظام قضایی ایران بعد از انقلاب اسلامی ایجاد شد. در ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه بیان شده بود: «به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی و در راستای توسعه مشارکت‌های مردمی، رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارند و یا ماهیت قضایی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است به شوراهای حل اختلاف واگذار می‌گردد. حدود وظایف و اختیارات این شوراهای، ترکیب و نحوه انتخاب اعضا آن بر اساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیات وزیران و به تأیید رئیس قوه قضائیه می‌رسد.» بدین ترتیب نهاد «شورای حل اختلاف» به سیستم قضایی ایران پیوست. آیین‌نامه اجرایی این ماده در سال ۱۳۸۱ تهیه و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه در روزنامه رسمی شماره ۱۶۷۴۷ مورخ ۱۳۸۱/۰۶/۰۵ منتشر شد.

«ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۸۳/۰۶/۱۱) عیناً ماده ۱۸۹ فوق‌الذکر را برای دوره برنامه چهارم توسعه نیز تنفیذ و تأیید کرد.

سپس «قانون شوراهای حل اختلاف» در تاریخ ۱۳۸۷/۰۴/۱۸ مشتمل بر ۵۱ ماده و ۱۰ تبصره به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسید و پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت ۵ سال در تاریخ ۱۳۸۷/۰۵/۱۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. در تاریخ ۱۳۸۸/۰۱/۱۶ «آیین‌نامه شوراهای حل اختلاف» به تصویب رییس قوه قضائیه رسید.

بعد از آن «قانون شوراهای حل اختلاف» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۱۶ مشتمل بر ۴۶ ماده و ۲۷ تبصره به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسید و پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت ۳ سال در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۰۹ به تأیید شورای نگهبان رسید. پس از پایان دوره آزمایشی، قانون یادشده چندبار دیگر تمدید گردید تا این‌که در نهایت در بند «ن» تبصره ۱۰ قانون بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور، مهلت اجرای

آزمایشی قانون شوراهای حل اختلاف به مدت ۶ ماهه و تا پایان شهریور سال ۱۴۰۲ تمدید شد.

در نهایت «قانون شوراهای حل اختلاف»^۱ در ۴۱ ماده و ۳۷ تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۲۲ شهریورماه ۱۴۰۲ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ (مجلس شورای اسلامی)

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲ (شورای نگهبان)

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱ (روزنامه رسمی شماره ۲۲۹۰۶)

تاریخ لازم‌الاجرا: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

۱. «لایحه شوراهای حل اختلاف» بنا به پیشنهاد قوه قضائیه در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۸/۲۵ هیات وزیران با قید دو فوریت به تصویب رسید و جهت طی تشریفات قانونی و تصویب به‌موجب نامه شماره ۵۷۹/۱۰۰۵۷۷/۵۷ مورخ ۱۳۹۹/۹/۸ به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. در مقدمه توجیهی لایحه آمده بود: با عنایت به زمان باقیمانده از مهلت اجرای آزمایشی قانون شوراهای حل اختلاف - مصوب ۱۳۹۴ - و نتایج ارزیابی‌های حاصل از تأثیر اجرای قانون مذکور در توسعه قضایی و ضرورت تحول در حدود صلاحیت، ترکیب و فرآیند رسیدگی در آن‌ها و فراهم ساختن بسترهای تحقق سیاست قضازدایی و کاهش مراجعات مردم به مراجع قضایی و تسریع در رسیدگی به پرونده‌های غیر پیچیده و جلوگیری از اطاله دادرسی و گسترش فرهنگ صلح و سازش و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، این لایحه جهت طی تشریفات قانونی تقدیم می‌شود. لایحه مذکور در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۹/۹/۸ مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد و دو فوریت آن نیز در تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۰ به تصویب رسید. در نهایت مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱ مفاد این لایحه را با اصلاحاتی تصویب و طی نامه شماره ۳۵۴/۸۶۱۸۹ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۵ برای طی مراحل قانونی مقرر در اصل (۹۴) قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال کرد. شورای نگهبان با بررسی این مصوبه در جلسات مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۸ و ۱۳۹۹/۱۱/۱۵ برخی از مواد این مصوبه را مغایر با شرع یا قانون اساسی تشخیص داد و نظر خود را در اولین مرحله در این خصوص طی نامه شماره ۹۹/۱۰۲/۲۱۷۸۸ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. این لایحه دو مرتبه دیگر به دلیل ایرادات شورای نگهبان به مجلس عودت داده شد تا در نهایت در چهارمین مرحله، شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۱۰۲/۳۸۷۳۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۵ این‌گونه اظهارنظر کرد: «لایحه شوراهای حل اختلاف که با اصلاحاتی در جلسه مورخ ۲۲ شهریورماه ۱۴۰۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است؛ در جلسه مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۲ شورای نگهبان بحث و بررسی گردید و با توجه به اصلاحات به عمل آمده مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد». سامانه جامع نظرات شورای نگهبان؛

<http://nazarat.shora->

[rc.ir/Forms/frmShenasname.aspx?id=jfsObTHicVU=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7](http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmShenasname.aspx?id=jfsObTHicVU=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7)

MruN.

با توجه به ماده ۳۶ و نظر به ماده ۴۱ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ تا زمان تشکیل دادگاه‌های صلح به دعاوی و شکایات مطابق قوانین و مقررات جاری کشور از جمله قانون شوراهای حل اختلاف (۱۳۹۴/۰۹/۱۶) رسیدگی می‌شود و بعد از تشکیل دادگاه‌های صلح این قانون نسخ می‌شود. در ادامه به بررسی نوآوری‌ها و نقدها و ایراداتی که بر قانون وارد است خواهیم پرداخت.

۱- نوآوری‌ها

در این قسمت به بیان نوآوری‌های قانون شوراهای حل اختلاف اشاره خواهیم کرد. البته برخی از این موارد لزوماً نوآوری به این معنا که هیچ پیشینه‌ای نداشته و برای اولین بار در این قانون بیان شده است نمی‌باشد چه بسا مواردی تغییر یا تکمیل نواقص و خلاهای قوانین و مقررات گذشته باشد.

۱. استفاده از عبارت «اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی» در قانون جدید به جای عبارت «اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی» به کار رفته در قوانین گذشته (ماده ۱)؛
۲. بیان دو وظیفه اساسی «برنامه‌ریزی» و «راه‌بری» شوراها برای مرکز حل اختلاف (ماده ۲)؛^۱

۳. تشکیل شعب شوراها در شهرها و در صورت لزوم در مراکز دهستان‌ها و روستاها به تشخیص رییس قوه قضاییه و تفویض این امر به رییس مرکز حل اختلاف (تبصره ۱ ماده ۳ قانون، ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی)؛

۴. تشکیل شوراهای حل اختلاف تخصصی برای دو ماموریت مستقل:

الف: رسیدگی به امور فنی و صنفی در دعاوی و شکایات فی‌مابین اصناف؛

ب: رسیدگی به امور و دعاوی مربوط به احوال شخصیه فی‌مابین اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (تبصره ۲ ماده ۳).

۱. قابل ذکر است که این دو وظیفه به نوعی در ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۵/۱۰/۰۴ پیش‌بینی شده بود.

دو نکته قابل ذکر است: اول پیش‌بینی اصل شوراهای حل اختلاف تخصصی لزوماً از نوآوری‌های قانون جدید نیست چرا که در ماده ۲ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷/۰۴/۱۸ و تبصره ماده ۲ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۰۹/۱۶ نیز اصل آن مورد توجه قانون‌گذار بوده است و آن‌چه که در قانون جدید به عنوان نوآوری توجه شده است تصریح به ماموریت‌های مشخص این‌گونه شوراها در خصوص رسیدگی به دعاوی اصناف و دعاوی مربوط به احوال شخصیه فی‌مابین اقلیت‌های دینی (ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی) می‌باشد.

دوم در صورت تشکیل شوراهای حل اختلاف تخصصی بند «الف» (امور فنی و صنفی) و عدم رد صلاحیت تخصصی خود، دعاوی مربوط منحصر در این شعب رسیدگی می‌شود ولی تشکیل شوراهای حل اختلاف تخصصی بند «ب» (امور و دعاوی مربوط به احوال شخصیه فی‌مابین اقلیت‌های دینی) مانع از مراجعۀ اقلیت‌های دینی مذکور به دیگر شوراهای همان حوزه قضایی نیست.

در ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی ۱۴۰۳ مقرر گردیده است: «در اجرای تبصره ۲ ماده ۳ و با رعایت تبصره ۳ ماده ۵ قانون، نهادهای مربوط تقاضای خود را جهت استقرار شعبه تخصصی حسب مورد به رئیس شورای شهرستان یا استان تقدیم می‌کنند و رئیس شورا پس از بررسی و احراز شرایط و صلاحیت اعضاء از طریق رئیس کل دادگستری استان برای صدور حکم به مرکز اعلام می‌کند.»

۵. پیش‌بینی و تأسیس «دادگاه صلح» در حوزه قضایی شهرستان و بخش در بازه زمانی حداکثر ۱ سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون. (مواد ۴-۱۲-۱۴)

۵-۱. در حوزه قضایی شهرستان، شعبه یا شعبی از دادگاه‌ها تحت مدیریت و نظارت رئیس حوزه قضایی آن به‌عنوان دادگاه صلح تعیین می‌شود.

۵-۲. در حوزه قضایی بخش، وظایف و اختیارات و صلاحیت‌های دادگاه صلح می‌تواند بر عهده دادگاه بخش باشد که در این صورت باید بر اساس احکام قانون شوراهای حل اختلاف رسیدگی انجام شود.

در ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی ۱۴۰۳ در این خصوص بیان شده است: «در هر حوزه قضایی شهرستان، شعب دادگاه صلح به تعداد نیاز تعیین و تشکیل می‌شود. این شعب در حدود صلاحیت مذکور در قانون رسیدگی می‌کنند. در صورت ضرورت و بنا به نیاز حوزه قضایی بخش، رئیس قوه قضاییه می‌تواند در حوزه قضایی بخش دادگاه صلح تشکیل دهد. در صورت عدم تشکیل دادگاه صلح، دادگاه بخش به دعوی و امور در صلاحیت دادگاه صلح نیز رسیدگی می‌کند.»

۶. واگذاری تعیین تکلیف مسوولیت ریاست و نظارت دادگاه‌های صلح و شوراهای حل اختلاف در استان به آیین‌نامه اجرایی ماده ۴۰ قانون (ماده ۴): بر اساس ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی ۱۴۰۳/۰۳/۱۶ در هر استان، ریاست و نظارت بر شوراهای استان با رئیس کل دادگستری آن استان است که می‌تواند تمام یا بخشی از اختیارات خود را با تأیید مرکز به یکی از معاونان قضایی خود تفویض نماید. ریاست شورای حل اختلاف شهرستان مرکز استان بر عهده معاون قضایی مذکور و در حوزه‌های قضایی غیر مرکز استان با رئیس حوزه قضایی مربوط خواهد بود. در ماده ۲۰ آیین‌نامه مجدد بیان شده است که ریاست و نظارت دادگاه صلح در استان با رئیس کل دادگستری استان و در حوزه قضایی شهرستان و بخش با رئیس حوزه قضایی است.

۷. کاهش اعضای شورا (یک رییس، یک عضو اصلی و یک علی‌البدل - ماده ۵): نکته قابل ذکر این بند در حقیقت نوآوری نبوده و فقط تغییر در تعداد اعضای شورای حل اختلاف است که در قانون سابق دو نفر عضو اصلی در قانون جدید به یک نفر کاهش یافته است.

۸. تعیین تعدادی عضو علی‌البدل در صورت غیبت رییس شورا، غیبت عضو اصلی، عدم وحدت‌نظر دو عضو شورا (تبصره ۱ ماده ۵): این بند در حقیقت نوآوری نیست و فقط مصادیق جایگزینی عضو علی‌البدل افزایش یافته است که در ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی قانون سابق ۱۳۹۵/۱۰/۰۵ جایگزینی عضو علی‌البدل در غیاب عضو اصلی پیش‌بینی شده بود در حالی که در قانون جدید جایگزینی عضو علی‌البدل در سه مورد الف: غیبت رییس شورا، ب: غیبت عضو اصلی، پ: عدم وحدت‌نظر دو عضو شورا پیش‌بینی گردیده است.

۹. تعیین تعداد نیروی اداری و دفتری برای هر شعبه در مناطق شهری و روستایی (تبصره ۲ ماده ۵): نوآوری این بند از جهت پیش‌بینی نیروی دفتری و اداری نیست بلکه از چند جهت دیگر است: اول تفکیک اعضای شعب مناطق شهری و مناطق روستایی، دوم متفاوت بودن تعداد اعضای مناطق شهری (دو نفر) و روستایی (یک نفر)، سوم قید «حداکثر دو نفر» برای نیروی اداری و دفتری شعب مناطق شهری و قید «در صورت نیاز» برای مناطق روستایی. در ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی قانون سابق ۱۳۹۵/۱۰/۰۵ برای انجام امور دفتری و بایگانی هر یک از شعب شورا یک نفر مسئول دفتر و در صورت نیاز یک نفر متصدی امور دفتری و بایگانی پیش‌بینی شده بود. در ماده ۲۳ آیین‌نامه اجرایی ۱۴۰۳ بیان شده است: «نیروی اداری نیاز دادگاه‌های صلح از کارکنان دادگستری و یا نیروهای استخدامی موضوع ماده ۶ قانون تأمین می‌شود.»

۱۰. تأمین کارکنان اداری و خدماتی نیاز شوراهای تخصصی و تأمین مالی و پشتیبانی این کارکنان بر عهده نهاد محل استقرار (تبصره ۳ ماده ۵): در ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی ۱۴۰۳ بیان شده است: «اعضای شورا پس از انتصاب، مطابق سوگندنامه مصوب رئیس قوه قضاییه در حضور رئیس کل دادگستری استان و در صورت معذورت وی در حضور معاون حل اختلاف سوگند یاد می‌کنند.»

۱۱. مجوز استخدام ۱۰/۰۰۰ نفر نیروی انسانی در راستای اجرای قانون ظرف ۵ سال از طریق برگزاری آزمون عمومی و تخصصی به صورت پیمانی یا قرارداد کار معین و اولویت کارکنان تمام وقت شورای حل اختلاف (اعم از اعضا یا سایر کارکنان) مشغول به کار تا تاریخ ۲۹ اسفندماه سال ۱۴۰۱ ماده ۶:

۱-۱۱. به کارگیری کارکنان جدیدالاستخدام هم‌زمان در شعب دادگاه‌های صلح و هم‌چنین شعب شوراها به جای کارکنان فعلی شوراها (تبصره ۱ ماده ۶):

۲-۱۱. اضافه شدن سوابق اشتغال در شورا به حداکثر سن قانونی (تبصره ۲ ماده ۶):

۳-۱۱. پیش‌بینی منابع مالی استخدام اشخاص موضوع ماده ۶ قانون (تبصره ۳ ماده ۶):

- ۱۱-۴. افتخاری بودن عضویت در شورا پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون و ممنوعیت هرگونه استخدام و به‌کارگیری اعضای جدید تحت هر عنوان در شوراها و پرداخت هرگونه حق بیمه برای آن‌ها (تبصره ۵ ماده ۶).
- در ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی ۱۴۰۳ بیان شده است: «در اجرای تبصره ۵ ماده ۶ قانون، هرگونه استخدام اعضای جدید در شوراها و پرداخت حقوق، دستمزد یا حق‌السعی و حق بیمه به آنان ممنوع است. به‌کارگیری افتخاری و تبرعی عضو بلامانع است.»
- ۱۱-۵. استفاده از بازنشستگان دستگاه‌های اجرایی از جمله بازنشستگان قوه قضائیه به‌عنوان عضو در شوراها (تبصره ۶ ماده ۶)
- در ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی (۱۴۰۳) بیان شده است: «جذب کارکنان و اعضای شورا، موضوع استخدام ماده ۶ قانون بر اساس آیین‌نامه مربوط صورت می‌گیرد.»
۱۲. پیش‌بینی مدرک دیپلم و بالاتر برای اعضای شعب روستایی طبق قانون جدید (بند ۷ ماده ۷)؛
۱۳. افزودن بندهای ۱۱، ۱۳ و ۱۴ به ماده ۷ در خصوص شرایط اعضای شورا (ماده ۷)؛
۱۴. بیان مصادیق نیروهای اطلاعاتی (نیروهای وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حراست و حفاظت دستگاه‌های اجرائی) در خصوص ممنوعیت عضویت در شورا در زمان اشتغال (ماده ۸)؛
۱۵. توسعه ممنوعیت عضویت برخی اشخاص در شورا از جمله صاحبان امتیاز دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، سردفتران، داوران و میانجی‌گران (ماده ۸)؛
۱۶. افزایش مصادیق غیرقابل طرح در شورا حتی با توافق طرفین از جمله بطلان نکاح، انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن، ولایت قهری و قیمومت (بند ۱ ماده ۱۱)؛
۱۷. کاهش ورودی پرونده‌ها به مراجع حقوقی و کیفری با توسعه صلاحیت‌های دادگاه صلح در موضوعات حقوقی و کیفری در بندهای یازدگانه (ماده ۱۲)؛
- ۱۷-۱. رسیدگی دادگاه صلح به دعاوی حقوقی ثلاث (تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق)، تعدیل اجاره‌بها، تقاضای سازش موضوع ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی مدنی، دعاوی اصلاح شناسنامه، استرداد شناسنامه، اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی (به

- استثنای مواردی که در صلاحیت دیوان عدالت اداری است)، الزام به اخذ پایان کار، اثبات رشد، الزام به صدور شناسنامه، تصحیح و تغییر نام (ماده ۱۲)؛
- ۱۷-۲. حذف دادسرا در جرایم سبک و رسیدگی مستقیم دادگاه صلح (جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرائم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی / جرائم عمدی تعزیری مستوجب مجازات درجه ۷ و ۸ - تبصره ۱ ماده ۱۲)
- ۱۷-۳. رسمیت دادگاه صلح با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل (تبصره ۲ ماده ۱۲) در ذیل ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی ۱۴۰۳ بیان شده است: «نظارت بر امور اداری و دفتری شعبه شورا بر عهده رئیس شعبه است.»؛
- ۱۷-۴. ارجاع پرونده برای حصول سازش به عضو یا اعضای شورا مستقر در دادگاه یا شعبه شورا یا میانجی‌گری.
- در صورت سازش حداکثر ظرف دو ماه، مراتب صورت جلسه و جهت اتخاذ تصمیم به قاضی دادگاه صلح اعلام تا طبق مقررات اقدام کند و در صورت عدم حصول سازش، قاضی دادگاه صلح مطابق قانون، مبادرت به صدور رأی می‌نماید. (تبصره ۲ ماده ۱۲) در ماده ۲۶ آیین‌نامه اجرایی (۱۴۰۳) بیان شده است: «ارسال پرونده‌ها به منظور صلح و سازش از دادگاه صلح یا سایر مراجع قضایی به شعب شورا یا اعضای شورا در اجرای تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون با تعیین وقت نظارت و بدون کسر از آمار شعبه صورت می‌گیرد.»
- ۱۷-۵. رسیدگی دادگاه صلح به دعاوی در ساعات غیر اداری یا در روزهای تعطیل (تبصره ۳ ماده ۱۲) در تبصره ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی ۱۴۰۳ بیان شده است: «سایر قضات شاغل قوه قضاییه نیز در صورت تمایل می‌توانند با حفظ سمت و با ابلاغ رئیس قوه قضاییه در ایام تعطیل و ساعات غیراداری به عنوان دادرس علی‌البدل در دادگاه‌های صلح انجام وظیفه نمایند.»؛
۱۸. پیش‌بینی مقررات جدید حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاه‌های صلح با دادسراها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضایی در یک استان یا دو استان و مراجع غیرقضایی (تبصره ۴ ماده ۱۲)؛
۱۹. قطعی بودن آرای دادگاه صلح مگر در موارد استثنای شش‌گانه (تبصره ۵ ماده ۱۲)؛

۲۰. دادگاه تجدیدنظر استان به عنوان مرجع تجدیدنظر آرای دادگاه صلح (تبصره ۵ ماده ۱۲): یکی از مواد مهم آیین‌نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف ۱۶/۰۳/۱۴۰۳ ماده ۲۲ در خصوص صلاحیت است که بیان داشته است: «تمام دعاوی، جرایم و امور در صلاحیت دادگاه صلح که تا تاریخ تشکیل دادگاه‌های صلح^۱ در سایر دادگاه‌ها ثبت شده است کماکان در همان مرجع رسیدگی و تصمیم‌گیری خواهد شد. دادسرا پرونده‌های موضوع این ماده را از تاریخ تشکیل این دادگاه به دادگاه صلح ارسال خواهد کرد.»
- در ماده ۲۸ آیین‌نامه یاد شده آمده است: «دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و ضابطان در صورت طرح دعاوی و شکایات در صلاحیت دادگاه صلح مکلف‌اند موضوع را به دادگاه صلح ارسال کنند. در صورتی که موضوعات فوق در سایر مراجع قضایی مطرح شود مقام ارجاع موضوع را فوری با دستور اداری به دادگاه صلح ارسال می‌نماید.»
۲۱. اقدام شورا صرفاً در خصوص صلح و سازش (ماده ۱۴)؛
۲۲. ارجاع پرونده به شورا توسط مقام رسیدگی‌کننده و اجراکننده و هم‌چنین مقام ارجاع قبل از ارجاع پرونده به شعبه و ثبت آن پس از اتخاذ تصمیم در خصوص امور فوری (ماده ۱۵)؛
۲۳. تبعیت دادگاه صلح از مقررات حاکم بر مقررات دادگاه‌های حقوقی و کیفری غیر از موارد مذکور تعیین شده در این قانون (ماده ۱۷)؛
۲۴. استفاده از وکیل دادگستری و هم‌چنین وکیل مدنی در موارد صلح و سازش (ماده ۱۸)؛
۲۵. اخذ هزینه دادرسی برای امور موضوع ماده ۱۳ قانون:
- الف: دعاوی کیفری و حقوقی غیر مالی معادل هزینه دادرسی محاکم دادگستری؛
- ب: دعاوی حقوقی مالی معادل ۵۰ درصد محاکم دادگستری^۲ (ماده ۱۹)

۱. تاریخ تشکیل دادگاه صلح در شهرستان مشهد ۱۶/۰۸/۱۴۰۳ بوده و این تاریخ برای تعیین صلاحیت محاکم دادگستری حائز اهمیت است. (خبرگزاری صداوسیما، کد خبر: ۴۳۷۴۳۱۱)

۲. موارد یادشده بر اساس قانون سابق شورای حل اختلاف، رایگان بوده است.

در ماده ۳۲ آیین‌نامه اجرایی ۱۴۰۳ بیان شده است: «در اجرای ماده ۱۳ قانون در صورت عدم حصول صلح و سازش و تقاضای خواهان یا مدعی خصوصی مبنی بر ارسال پرونده به مرجع قضایی صالح چنان چه مبلغ پرداخت شده به عنوان هزینه دادرسی کافی نباشد مابه‌التفاوت آن مطابق مقررات مربوط قبل از شروع رسیدگی در مرجع صالح اخذ می‌گردد.»

۲۶. موارد صدور گزارش اصلاحی توسط شورا (ماده ۲۰):

۱-۲۶. تصریح به حقوق و تعهدات طرفین و نحوه و زمان اجرای تعهد در گزارش اصلاحی در صورت متضمن حق بودن، تکلیف یا تعهد طرفین در سازش (تبصره ۱ ماده ۲۰)؛
۲-۲۶. قابلیت اجرایی نظر کارشناس، داور یا میانجی مرضی الطرفین در صورت انعکاس در گزارش اصلاحی و عدم مغایرت با قوانین و مقررات و التزام طرفین به آن (تبصره ۲ ماده ۲۰)؛

۳-۲۶. استرداد نصف هزینه دادرسی پرداختی به خواهان در کلیه دعوی مالی ارجاعی از مراجع قضایی به شورای حل اختلاف در صورت حصول سازش بین طرفین (تبصره ۳ ماده ۲۰).

در ماده ۳۳ آیین‌نامه اجرایی ۱۴۰۳ بیان شده است: «در اجرای تبصره ۳ ماده ۲۰ قانون در صورت حصول سازش بین طرفین، معاون مالی، پشتیبانی و امور عمرانی قوه قضاییه مکلف است پس از دریافت گزارش ماهانه مرکز مبنی بر حصول سازش، معادل ۱۰۰٪ هزینه دادرسی همان مرحله را به حساب درآمد اختصاصی مرکز حواله نماید تا مرکز در اجرای تکلیف قانونی خود، نصف آن را به پرداخت‌کننده هزینه دادرسی بازگرداند.»

۲۷. رسیدگی مرجع قضایی به دعوی راجع به اموال غیر منقول فاقد سند رسمی (تبصره ۴ ماده ۲۰)؛^۱

۲۸. برگزاری حداقل دو جلسه ظرف سه ماه در اجرای مواد ۱۳ و ۱۵ این قانون (ماده ۲۱)؛

۱. در نظریه شماره ۷/۱۴۰۳/۲۶ مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۶ اداره کل حقوقی قوه قضاییه بیان شده است: «مرجع قضایی مندرج در تبصره ۴ ماده ۲۰ قانون شوراها حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ اعم از دادگاه صلح و دیگر مراجع قضایی است و حکم مقرر در تبصره یادشده صرفاً در مقام استثنا کردن موارد صلاحیت شورای حل اختلاف است.»

۲۹. بایگانی پرونده توسط شورا در صورت استرداد درخواست یا دعوا از سوی خواهان یا مدعی خصوصی و اعلام به مرجع قضایی در صورت ارجاع توسط آن مرجع (ماده ۲۲):
۳۰. رسیدگی به دلایل طرفین انجام تحقیق محلی و معاینه محل مطابق ضوابط قانونی توسط شخص رئیس شورا یا یکی از اعضا در اجرای مواد ۱۳ و ۱۵ این قانون (ماده ۲۳):
۳۱. تصحیح گزارش اصلاحی و دیگر تصمیمات شورا ناشی از سهو قلم توسط دادگاه صلح (ماده ۲۴):
۳۲. صلاحیت «دادگاه صلح» در رسیدگی به موارد زیر:
- الف: اعتراض طرفین پرونده به تصمیم شورا؛
- ب: اعتراض طرفین پرونده به گزارش اصلاحی؛
- پ: اعتراض ثالث به تصمیم شورا؛
- ت: اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی (ماده ۲۵ و تبصره آن).
۳۳. اجرای گزارش اصلاحی موضوع ماده ۲۰ این قانون پس از تأیید قاضی دادگاه صلح مطابق قوانین و مقررات جاری کشور (ماده ۲۶):
۳۴. معافیت متعهد از پرداخت نیم‌عشر اجرایی پیش از صدور دستور اجرا نسبت به اجرای گزارش اصلاحی یا اخذ رضایت و هم‌چنین معافیت از پرداخت نصف نیم‌عشر اجرایی در صورت اقدام متعهد ظرف ۱ ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه (ماده ۲۷):
۳۵. تغییر ترکیب اعضای هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات (۳ عضو شامل رئیس شوراهای حل اختلاف استان، یکی از قضات و یکی از اعضای شوراهای حل اختلاف آن استان برای مدت ۳ سال - ماده ۲۹):
- در ماده ۳۴ آیین‌نامه اجرایی ۱۴۰۳ مقرر شده است: «فرآیند و نحوه رسیدگی هیأت موضوع ماده ۲۹ قانون، مطابق شیوه‌نامه‌ای است که ظرف ۲ ماه پس از تصویب این آیین‌نامه به تصویب رئیس مرکز می‌رسد.»
۳۶. افزایش مصادیق تخلف اعضا، کارکنان و نیروهای اداری شورا که رابطه استخدامی ندارند (ماده ۳۰):

۳۷. تغییر ترکیب اعضای هیئت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات (سه عضو اصلی شامل رئیس مرکز یا یکی از معاونان وی، یک قاضی دادگاه تجدیدنظر و یکی از اعضای شورا برای مدت سه سال - ماده ۳۳).

تبصره ماده ۳۴ آیین نامه اجرایی (۱۴۰۳) می گوید: «فوق العاده جذب هیأت های بدوی و تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اعضاء و کارکنان شورا همانند فوق العاده جذب هیأت رسیدگی به تخلفات کارکنان دولت می باشد.»

۳۸. پیش بینی واجد عنوان کیفری بودن تخلف اعضای شورا و رسیدگی در هیات و مرجع قضایی حسب مورد (ماده ۳۵)؛

۳۹. رسیدگی به دعاوی و شکایات بر اساس قانون شوراهای حل اختلاف ۱۳۹۴ تا زمان تشکیل دادگاه صلح (ماده ۳۶)؛

۴۰. کاهش مصادیق معافیت از مدت کارآموزی و پیش بینی معافیت ۱/۳ و ۱/۲ حسب سنوات خدمت در شورا (ماده ۳۷)؛

۴۱. پیش بینی نسخ صریح مشروط قانون شوراهای حل اختلاف ۱۳۹۴ (ماده ۴۱).

۲- ایرادات

در این قسمت به بررسی و بیان مهمترین ایرادات وارد بر قانون شوراهای حل اختلاف (مصوب ۱۴۰۲/۰۶/۲۲) خواهیم پرداخت:

۱. به نظر با توجه به وجود شورای حل اختلاف به عنوان نهاد صلح و سازش در نظام حقوقی کشور تشکیل دادگاه صلح توجیه منطقی نداشت چرا که اول صلاحیت های دادگاه صلح در ماده ۱۲ قانون جدید با تغییراتی همان صلاحیت های شورای حل اختلاف قانون سابق ۱۳۹۴ است، دوم بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون یادشده دادگاه صلح با رضایت طرفین می تواند پرونده را برای حصول سازش به شورا یا میانجی گری ارجاع دهد و این امر نیز سابقا وجود داشت و بر اساس ماده ۸ قانون سابق شورا با رضایت طرفین در کلیه امور حقوقی و برخی موضوعات کیفری اقدام به سازش می کرد. از طرف دیگر در نام قانون که مربوط به شوراهای حل اختلاف است اساسا هیچ نشانی از تاسیس محاکم صلح دیده نمی شود؛

۲. در نظم کنونی نظام حقوقی ایران تشکیل دادگاه علی‌القاعده و مطابق رویه گذشته می‌بایست در قالب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب یا قوانین آیین دادرسی یا قانون مستقل باشد. برای نمونه در سال ۱۳۹۴ دادگاه کیفری ۱ و ۲ در قانون آیین دادرسی کیفری تشکیل شد و دادگاه حقوقی ۱ و ۲ در قالب قانون مستقل در سال ۱۳۶۴ تشکیل گردید. لذا بهتر بود به جای تشکیل دادگاه صلح دادگاه‌های حقوقی ۱ و ۲ در قالب اصلاح و تکمیل ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و یا در قالب قانون مستقل تشکیل می‌گردید؛

۳. با توجه به استقرار شورا و دادگاه صلح در قوه قضاییه در عمل هم از جهت هزینه و هم از جهت فرایندهای دادرسی و استقرار قاضی در این دادگاه‌ها با توجه به صلاحیت‌های برشمرده شده تفاوت چندانی برای قوه قضاییه ایجاد نمی‌کند. همان هزینه‌های مربوط به برپایی دادگاه صلح می‌تواند برای تخصیص شعب بیشتر در کیفری دو در نظر گرفته شود. (نیازی، ۱۴۰۲: ۳)

۴. با توجه به این که در قانون جدید برخی از صلاحیت‌های دادگاه کیفری ۲ گرفته و به محاکم صلح داده شده است این مصوبه نظام صلاحیت محاکم کیفری ۱ و ۲ را که از سال ۱۳۹۴ تاکنون در کشور مستقر شده با خلل مواجه می‌کند. نگاه به این صلاحیت‌ها نشان می‌دهد که گویا مقصود ایجاد دادگاه دیگری در ردیف دادگاه کیفری ۲ و کیفری ۱ است. در ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دادگاه‌های کیفری را این‌گونه احصا کرده بود: دادگاه کیفری ۱، دادگاه کیفری ۲، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی. (معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه، ۱۳۹۹: ۲۴۹) به این ترتیب در حال حاضر سه دادگاه کیفری عمومی نخستین غیر از سایر دادگاه‌های کیفری در نظام حقوقی ایران شکل گرفته است که واقعا مشخص نیست تعدد این دادگاه‌ها تا چه میزان موجب اثربخشی آنها می‌شود.

در ماده ۱۲ قانون جدید شورای حل اختلاف دو بند راجع به موضوعات کیفری پیش بینی شده است؛

الف: جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرایم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی:

در مواد ۱۷۲ تا ۱۸۶ (فصل ۱۱) قانون کار حدود ۴۰ عنوان رفتار، جرم‌انگاری شده است که عبارتند از: ۱. کار اجباری؛ ۲. اجبار اشخاص به عضویت در تشکل‌های کارگری یا کارفرمایی؛ ۳. ممانعت از عضویت در تشکل‌های کارگری؛ ۴. جلوگیری از ایجاد تشکل‌های کارگری؛ ۵. ندادن فرصت شیر دادن به اطفال؛ ۶. عدم ایجاد مراکز نگهداری اطفال؛ ۷. عدم همکاری با تعاونی‌های مسکن کارگری؛ ۸. عدم احداث خانه‌های سازمانی؛ ۹. عدم ارائه ۳ وعده غذا در کارگاه‌های خاص؛ ۱۰. عدم ایجاد خواب‌گاه مناسب؛ ۱۱. فراهم نکردن وسایل ایاب و ذهاب برای کارگران؛ ۱۲. عدم ایجاد تسهیلات برای راه‌اندازی و اداره شرکت تعاونی کارگری؛ ۱۳. عدم ایجاد ورزش‌گاه و امکانات ورزشی؛ ۱۴. عدم ایجاد کلاس‌های سوادآموزی بزرگ سالان؛ ۱۵. عدم پرداخت مزد مساوی به زن و مرد کارگر؛ ۱۶. تبعیض در تعیین مزد به لحاظ شرایط قومی و نژادی؛ ۱۷. پرداخت کمتر از حداقل مزد؛ ۱۸. برداشت غیر مجاز از حقوق کارگر؛ ۱۹. ارجاع کار اضافی بدون موافقت کارگر و پرداخت حق الزحمه قانونی؛ ۲۰. ارجاع اضافه‌کاری غیر قانونی؛ ۲۱. عدم انجام آزمایشات پزشکی نوجوانان؛ ۲۲. ارجاع کار بیشتر از ۷/۵ ساعت در روز به کارگر نوجوان؛ ۲۳. عدم تشکیل پرونده پزشکی برای واحدهای خاص؛ ۲۴. به‌کارگیری غیر مجاز کارگران در کارهای سخت و زیان‌آور؛ ۲۵. ارجاع کارهای سخت به زنان کارگر؛ ۲۶. ارجاع کار سخت به زنان باردار؛ ۲۷. به‌کارگیری افراد کمتر از ۱۵ سال تمام؛ ۲۸. ارجاع مشاغل مغایر سلامتی و اخلاق به نوجوانان؛ ۲۹. عدم تهیه لوازم حفاظتی و بهداشتی؛ ۳۰. عدم آموزش کارگران برای آشنایی با لوازم حفاظتی و بهداشتی؛ ۳۱. عدم نظارت بر اجرای مقررات حفاظتی و بهداشتی؛ ۳۲. عدم اطلاع احداث یا توسعه کارگاه به وزارت کار؛ ۳۳. عدم اخذ تأییدیه شورای عالی حفاظت برای به‌کارگیری ماشین‌آلات و دستگاه‌ها در کارگاه؛ ۳۴. عدم ارائه مشخصات لوازم تولیدی یا وارداتی بهداشتی یا حفاظتی به وزارت کار؛ ۳۵. ممانعت از ورود و انجام وظیفه بازرسان کار؛ ۳۶. خودداری از اجرای آرای مراجع حل اختلاف؛ ۳۷. به‌کارگیری اتباع بیگانه فاقد پروانه کار؛ ۳۸. عدم ارائه آمار و اطلاعات مورد نیاز به وزارت کار؛ ۳۹. بیمه نکردن کارگران. (صبری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۹۲-۱۹۳)

تحقیقات مقدماتی کلیه جرایم از وظایف دادسراست بنابراین رسیدگی به جرایم مزبور باید به صورت توأمان در دادسرا صورت‌پذیرد و موجب قانونی جهت تفکیک پرونده و ارسال قسمتی از آن (درجه ۷ یا ۸) برای رسیدگی مستقیم در دادگاه وجود ندارد. (نظریه ۷/۹۴/۲۲۷۵-۱۳۹۴/۰۸/۲۴؛ معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه، ۱۳۹۹: ۳۰۴) ۵. ارجاع جنبه عمومی جرائم غیر عمد ناشی از حوادث کار و رانندگی موجب می‌شود که موارد موضوع ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) که کیفر حبس درجه ۵ دارند نیز به این دادگاه ارجاع داده شود. بنابراین درعمل این دادگاه می‌تواند به کیفر حبس درجه ۵ (حبس بیش از ۲ تا ۵ سال) نیز رسیدگی کند. از طرف دیگر با توجه به این که مبلغ دیه افزایش یافته (۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیون تومان) و در صلاحیت دادگاه کیفری دو بوده که با کمک دادسرا به موضوع رسیدگی می‌کند حذف این دو مرجع و اعطای صلاحیت به دادگاه صلح آن هم بدون کمک دادسرا و صرفاً با کمک اعضای شورای حل اختلاف که ممکن است تخصص چندانی در جنایات شبه عمد نداشته باشند به نوعی تکرار تجربه حذف دادسرا در سال ۱۳۷۳ بوده (شمس، ۱۳۹۸، ج ۱: ۱۱۰؛ مهاجری، ۱۳۹۵، ج ۱: ۴۴) و صحیح به نظر نمی‌رسد؛

۶- ارتباط مقررات حاکم بر دادگاه صلح با ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مشخص نیست. در آن ماده قانون‌گذار ظرفیت صلح و سازش و ارجاع به میان‌جیگری را برای جرائم تعزیری درجات ۶ و ۷ و ۸ پیش‌بینی کرده است. این پرسش مطرح می‌شود که با شکل‌گیری دادگاه صلح و ارجاع مستقیم جرائم درجه ۷ و ۸ این مقرر چگونه اجرا می‌شود. در این موارد آیا قاضی دادگاه صلح نیز این چنین اقدامی را برعهده شورای حل اختلاف یا مؤسسه میان‌جیگری قرار می‌دهد یا خودش اقدام به صلح و سازش خواهد کرد؟ در تبصره ۲ ماده ۱۲ آمده است که دادگاه صلح می‌تواند پرونده را به شورا ارجاع دهد. اگر بنا بر ارجاع به جای دیگری به این منظور باشد با توجه به عنوان این دادگاه یعنی دادگاه صلح نقض غرض است و این پرسش قابل طرح است که چرا این عنوان برای این دادگاه در نظر گرفته شده است؛

۷. خواسته هر دعوی حقوقی اساسی‌ترین رکن آن است. تشخیص نوع خواسته از حیث مالی یا غیر مالی بودن و بهای آن در دعاوی مالی از حیث میزان هزینه دادرسی، صلاحیت مراجع رسیدگی و قابلیت تجدیدنظر یا... از اهمیت بسیاری برخوردار است. یکی از نوآوری‌های قانون شورای حل اختلاف مصوب ۹۴ تقویم خواسته براساس نرخ واقعی آن بود که متاسفانه در قانون جدید ۱۴۰۲ به نوعی قانون‌گذار برگشت به قانون آیین دادرسی مدنی (تقویم خواسته) داشته است. بهای خواسته از چند جهت مهم است: یکی از جهت هزینه دادرسی، دیگری تعیین مرجع صالح رسیدگی و دیگری قابلیت اعتراض. تقویم خواسته در دعاوی مالی (اعم از منقول و غیرمنقول) در شورای حل اختلاف از جهات یادشده مهم و موثر است. (مهاجری، ۱۳۸۹، ۱۷۱-۱۷۶؛ همان، ۱۳۹۲: ۵۱)

۸. ایراد دیگر این است که قانون‌گذار در قانون شوراهای حل اختلاف ۱۴۰۲ مشخص نکرده است که در دعاوی غیر منقول داخل در دادگاه صلح ملاک قیمت منطقه‌ای است یا قیمتی که خواهان در دادخواست تقویم می‌کند؟ بر اساس قسمت «ج» بند ۱۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد عین در دعاوی مالی غیر منقول از نقطه نظر صلاحیت، ارزش خواسته همان است که خواهان در دادخواست خود تعیین می‌نماید. لکن از نظر هزینه دادرسی باید مطابق ارزش معاملاتی املاک در هر منطقه تقویم و بر اساس آن هزینه دادرسی پرداخت شود. (همان، ۱۳۸۹: ۱۸۶). در رویه قضایی قیمت منطقه‌ای صرفاً در پرداخت هزینه دادرسی و تقویم خواسته توسط خواهان در تعیین مرجع صالح موثر است.

۹. دعاوی مربوط به اسناد ثبت احوال عبارتند از:

الف: ولادت (ثبت ولادت، اثبات ولادت در ایران، صدور گواهی ولادت اتباع خارجی، الزام پدر یا مادر و... به اعلام ولادت به ثبت احوال، تصحیح یا تغییر مندرجات گواهی ولادت و ابطال گواهی ولادت)؛

ب: وفات (اثبات وفات، تنظیم سند وفات، صدور گواهی وفات، تصحیح یا تغییر یا تکمیل مندرجات سند وفات (تاریخ وفات، محل وفات و علت وفات)، ابطال سند وفات)؛

پ: ازدواج و طلاق (تنظیم سند ادواج یا طلاق، ابطال سند ازدواج یا طلاق، احیای سند ازدواج یا طلاق، تصحیح یا تغییر مندرجات سند ازدواج یا طلاق، حذف واقعه ازدواج و طلاق از سند سجلی یا شناسنامه)؛

ت: شناسنامه (صدور شناسنامه، استرداد شناسنامه، ارائه خدمات سجلی و رفع ممنوع‌الخدمات، ابطال شناسنامه، احیای شناسنامه، تصحیح یا تغییر یا اصلاح مندرجات شناسنامه: نام، نام خانوادگی، تاریخ تولد، محل تولد، مشخصات پدر یا مادر، مشخصات همسر، مشخصات فرزندان، شاخص جنسیت، نشان سیادت)؛

ث: هویت و تابعیت (اثبات هویت، اثبات تابعیت ایرانی، اعتراض به تصمیم شورای تامین، اعتراض به تصمیم هیات حل اختلاف ثبت احوال (مرکز آموزش و پژوهش سازمان ثبت احوال کشور ۱۴۰۰: ۱۲۳-۴۴۰-۴۵۵-۶۵۶-۹۹۱). به نظر قانون‌گذار مبنای حقوقی صحیح و دقیقی را در بیان دعاوی چهارگانه ثبت احوال (اصلاح، استرداد و صدور شناسنامه، تصحیح و تغییر نام) مدنظر نداشته است چرا که معلوم نیست از بین دعاوی متعدد راجع به ثبت احوال و اسناد سجلی فقط به ذکر چند عنوان یاد شده بسنده کرده که البته برخی مثل صدور شناسنامه بسیار مهم و دارای آثار حقوقی فراوانی است.

۱۰. قانون‌گذار در خصوص دعاوی مقدماتی و مرتبط که به صورت توأمان در دادگاه حقوقی یا دادگاه صلح مطرح شود تعیین تکلیف نکرده است. به‌عنوان مثال اگر دادخواست اثبات بیع، الزام به تنظیم سند رسمی، اخذ پایان کار و صورت‌مجلس تفکیکی یا دادخواست اثبات ولادت، ثبت ولادت در دفتر ثبت کل وقایع، احراز تابعیت و الزام به صدور شناسنامه در دادگاه حقوقی یا صلح مطرح شود رسیدگی به این دعاوی به چه صورت است؟ آیا این دعاوی در صلاحیت دادگاه حقوقی است یا دادگاه صلح؟

۱۱. تصمیمات دادگاه صلح قابل رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر استان است و این امر باعث تراکم بیش از حد رسیدگی‌های دادگاه تجدیدنظر و در نتیجه کاهش کیفیت کار آنان می‌گردد و از طرف دیگر مستلزم افزایش تعداد شعب دادگاه تجدیدنظر استان خواهد بود چرا که سابقاً آرای شورای حل اختلاف قابل تجدیدنظر در دادگاه حقوقی بود و الان مرجع تجدیدنظر آرای دادگاه صلح، دادگاه تجدیدنظر استان است.

۱۲- در قانون جدید شوراهای حل اختلاف، صلاحیت دادگاه‌های صلح به ۱۰۰ میلیون تومان افزایش داده شده است البته تا مبلغ ۵۰ میلیون تومان آراء صادره قطعی است که این افزایش با مواد ۳۳۱ و ۳۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی در بحث تجدیدنظرخواهی و بند اول ماده ۳۶۷ قانون مرقوم در بحث فرجام‌خواهی در تعارض است و عملاً با اجرای این قانون که لازم‌الاجرا می‌باشد صلاحیت دادگاه‌های تجدیدنظر و دیوان عالی کشور در مورد دعاوی مالی تحت تاثیر قرار خواهد گرفت؛

۱۳- تبصره ۴ ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف ۱۴۰۲ زائد است. چه این که دادگاه صلح اگر دادگاه است که قواعد حل اختلاف صلاحیت دادگاه‌ها در قانون آیین دادرسی مدنی آمده است و نیازی به تکرار آن در اینجا نبود و اگر تابع شورای حل اختلاف است که قواعد حل اختلاف شوراهای حل اختلاف می‌بایست ذکر شود و نباید اینجا قواعد اختلاف صلاحیت تکرار شود. البته شاید بنای قانون‌گذار بر این بوده است که حسب بندهای (ب و پ) پرونده‌ها به دیوان عالی کشور ارسال نشود و دادگاه تجدیدنظر فصل الخطاب باشد که این امر می‌شد با اصلاح مواد ۲۷ و ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی محقق شود. بنابراین بر اساس تبصره ۴ ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف ۱۴۰۲ مرجع حل اختلاف در صلاحیت این قانون بین دادگاه صلح با مراجع قضایی یا حتی مراجع غیرقضایی در صلاحیت دادگاه تجدیدنظر قرار داده شده است و قواعد مندرج در ماده ۲۷ و ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی در مورد دادگاه‌های صلح قابلیت اجرایی ندارد.

۱۴- در خصوص تجدیدنظرخواهی از آرای دادگاه صلح نیز باید گفت که در حال حاضر به موجب قانون آیین دادرسی کیفری فقط جرائم تعزیری درجه ۸ و نیز جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش با میزان کمتر از ۱/۱۰ دیه کامل هستند غیرقابل تجدیدنظر و قطعی است. اما به موجب بند «ج» تبصره ۵ ماده ۱۲ قانون جدید در دادگاه صلح تنها جرائمی که حبس درجه ۷ دارند قابل تجدیدنظر تلقی شده‌اند و باقی موارد قطعی است. بر این اساس قطعیت آراء دادگاه صلح در مقایسه با دادگاه کیفری دو بیشتر است و احکام بیشتری قطعی می‌باشند. در این خصوص چنان‌چه مصوبه به دنبال توسعه قلمرو آرا قطعی بوده است می‌توانست ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری را اصلاح کند.

۱۵- یکی دیگر از ابهامات قانون جدید شوراهای حل اختلاف ۱۴۰۲ در خصوص تجدیدنظرخواهی آرای مربوط به خانواده (جهیزیه، مهریه و نفقه) با در نظر گرفتن نصاب یا عدم آن است. در این خصوص ممکن است سه دیدگاه قابل طرح باشد: دیدگاه اول: دعاوی سه گانه مربوط به خانواده با هر میزان قیمت و ارزشی که باشد قابل تجدیدنظر است؛

دیدگاه دوم: دعاوی خانوادگی مذکور، در صورتی که تا پانصد میلیون ریال باشد قطعی است و در صورتی که بیش از ۵۰۰ میلیون ریال باشد همانند بند ۱ ماده یادشده، قابل تجدیدنظر است؛

دیدگاه سوم: در صورتی که دعاوی ثلاثه خانوادگی بیش از ۳۰۰ هزار تومان باشد قابل تجدیدنظرخواهی است و در غیر این صورت قطعی می باشد (بند «الف» ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م). به نظر دیدگاه اول مبنی بر این که دعاوی ثلاثه مربوط به خانواده (جهیزیه، مهریه و نفقه) با هر میزان قیمت و ارزشی که باشد قابل تجدیدنظر است با نص قانون انطباق بیشتری داشته باشد و مؤید این مطلب این است که قانون گذار اول قانون گذار در مقام بیان بوده و بند ۱ و ۳ را در تبصره ۵ ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف از هم تفکیک کرده است، دوم در بند «الف» در خصوص دعاوی موضوع بند ۱ نصاب تعیین کرده است در حالی که در بند «پ» چنین قیدی را بیان نکرده و قدر متیقن این است که اگر چنین امری مورد نظر مقنن بود می توانست به آن تصریح کند و اصل در قیود، احترازی بودن آن هاست.

۱۶. ارجاع اصلاح سهو قلم در گزارش اصلاحی به مرجع دیگری (دادگاه صلح) صحیح به نظر نمی رسد (حیاتی، ۱۳۹۵: ۳۰۹). ارجاع اصلاح سهم قلم در سایر تصمیمات شورا که قاعدتاً نباید اثر مهمی داشته باشد مثل: صدور قرار معاینه محل به دادگاه صلح نیز موجب ایجاد مشغله غیر ضرور برای دادگاه صلح می شود که با هدف و سیاست کاهش تراکم کار محاکم سازگار نیست؛

۱. ماده ۲۴ قانون جدید ۱۴۰۲/۰۶/۲۲- هرگاه در تنظیم یا نوشتن گزارش اصلاحی و دیگر تصمیمات شورا سهو قلم رخ بدهد مانند: از قلم افتادن یا اضافه شدن کلمه ای و یا در محاسبه اشتباه صورت گرفته باشد تصحیح گزارش یا تصمیم مذکور رأسا یا با درخواست ذی نفع توسط دادگاه صلح انجام می شود.

۱۷. وقتی رأی از شورای حل اختلاف صادر می‌شود چگونه اعتراض ثالث آن در مرجع دیگر (دادگاه صلح) رسیدگی می‌شود.^۱
۱۸. بهتر بود از وکیل دادگستری حتی در صلح و سازش استفاده می‌شد زیرا استفاده از وکیل مدنی می‌تواند سبب شود که افرادی با سوءنیت پرونده‌ها را جهت ایجاد صلح و سازش وکالت کنند و از طرفی وکلای مدنی هم تخصص حقوقی ندارند و از آنجا که سازش‌نامه آثار حقوقی دارد باید توسط افراد متخصص نگارش شود.
۱۹. در ماده ۳۶ قانون جدید بیان شده است: «تا زمان تشکیل دادگاه‌های صلح به دعاوی و شکایات مطابق قوانین و مقررات جاری کشور از جمله قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی رسیدگی می‌شود.» و ماده ۴۱ بیان می‌دارد: «قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۶ با رعایت ماده (۳۶) این قانون نسخ می‌شود.» این امر دارای ایراد است و از این پس شوراهای حل اختلاف با دو قانون حاکم به کار خود ادامه می‌دهند که با توجه به غیر متخصص بودن برخی از اعضای شورا این امر بر پیچیدگی کار می‌افزاید و منوط کردن اجرای این قانون به ایجاد دادگاه صلح به نظر با فلسفه قانون‌گذاری انطباقی ندارد؛
۲۰. در پایان پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با لحاظ ایرادات و نقدهای یادشده و سایر ابهامات و چالش‌هایی که قطعاً پس از اجرایی شدن قانون و بازتاب رویه قضایی معلوم می‌گردد در صدد رفع و اصلاح آن برآید تا نتیجه مطلوب حاصل شود.

۱. ماده ۲۵ قانون جدید ۱۴۰۲/۰۶/۲۲- اعتراض طرفین پرونده به تصمیم شورا و نیز اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی و تصمیم شورا قابل طرح در دادگاه صلح همان حوزه قضایی است و چنان‌چه تصمیم یا گزارش اصلاحی توسط مرجع رسیدگی به اعتراض نقض شود مرجع مذکور موظف است رأساً به پرونده رسیدگی و رأی صادر کند. تبصره- گزارش اصلاحی قطعی است در صورتی که یکی از طرفین به دلیل عدم تطابق گزارش اصلاحی با توافق صورت گرفته به گزارش اصلاحی اعتراض داشته باشد با دستور دادگاه صلح اجرای گزارش اصلاحی متوقف و در همان دادگاه به اعتراض رسیدگی می‌شود.

نتیجه‌گیری

حل و فصل اختلافات توسط نهادهای غیر حاکمیتی و توسط خود مردم و بزرگان هر قوم دارای قدمتی دیرینه است. قانون‌گذار با تصویب قانون شوراها حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ شورای حل اختلاف را بیش از پیش به یک نهاد صلح و سازشی نزدیک کرده و در راستای همان هدف نخستین از شکل‌گیری این نهاد گام برداشته است و از طرفی نوآوری‌ها، تغییرات و اصلاحات قابل توجهی را در قانون به‌وجود آورده است که مهم‌ترین آن ایجاد و به تعبیری احیای مرجعی قضایی با عنوان «دادگاه صلح» است و این به نوعی حاکی از توجه مقنن به مقوله صلح و سازش در رسیدگی به پرونده‌ها دارد ولی با این وجود قانون جدید به دلیل تعجیل در تصویب آن و عدم کارشناسی دقیق، خالی از اشکال و ایراد نیست و اشکالات و نقدهای جدی دارد که امید است به زودی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و اصلاحات لازم در آن صورت گیرد تا آن اهداف مطلوبی را که مدنظر بوده از جمله اجرای عدالت از طریق صلح و سازش، تسریع و تسهیل در حل و فصل اختلافات مردم و کاهش پرونده‌های قضایی و اطلاع‌دادرسی و... بتواند در عرصه عمل ایفا کند.

منابع و مأخذ

- قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۹۰/۰۸/۱۸
- قانون حکمیت مصوب ۱۳۰۶/۱۲/۲۹
- قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸
- قانون تشکیل خانه انصاف مصوب ۱۳۴۴/۰۲/۱۸
- قانون خانه انصاف مصوب ۱۳۵۶/۰۳/۲۵
- قانون تشکیل شورای داور مصوب ۱۳۴۵/۴/۹
- قانون اصلاح بعضی از مواد قانون تشکیل شورای داور مصوب ۱۳۴۸/۱/۲۰
- قانون شورای داور مصوب ۱۳۵۶/۳/۲۱
- قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۰۴/۱۵
- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱
- ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۱۷
- ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۱۱
- قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷/۰۴/۱۸
- قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۰۹/۱۶
- آیین‌نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۵/۱۰/۰۴
- قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲/۰۶/۲۲
- آیین‌نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۳/۰۳/۱۶
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۴). دایره‌المعارف علوم اسلامی (قضایی جلد ۲). تهران: انتشارات گنج دانش.
- حیاتی، علی عباس (۱۳۹۵). آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: انتشارات میزان.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۸). آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته). تهران: انتشارات دراک.
- صبری، نورمحمد و شادمان فر، محمدرضا و یوسف زاده، علی (۱۴۰۱). «جرایم کارفرمایی در قانون کار ایران»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۷، ش ۱۰۰.
- مرکز آموزش و پژوهش سازمان ثبت احوال کشور (۱۴۰۰). دانش‌نامه حقوق ثبت احوال. تهران: انتشارات سازمان ثبت احوال کشور.

- معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه (۱۳۹۹). قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی و نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه. تهران: شرکت سهامی روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. چاپ سوم.
- مهاجری، علی (۱۳۹۴). آیین رسیدگی در دادسرا. بی‌جا، انتشارات فکرسازان، چاپ دوم.
- مهاجری، علی (۱۳۹۲). آیین قضاوت مدنی در محاکم ایران. بی‌جا، انتشارات فکرسازان، چاپ هفتم.
- مهاجری، علی (۱۳۸۹). دعاوی مالی و غیرمالی. بی‌جا. انتشارات فکرسازان، چاپ سوم.
- نیازی، رضا و عبدالملکی، مهدی (۱۴۰۲). اظهارنظر کارشناسی درباره لایحه شورای حل اختلاف اعاده شده از سوی شورای نگهبان. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- سامانه جامع نظرات شورای نگهبان؛

<http://nazarat.shora->

[rc.ir/Forms/frmShenasname.aspx?id=jfsObTHicVU=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN.](http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmShenasname.aspx?id=jfsObTHicVU=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN)